

نماز عید فطر و تجلی جمال و لطف

آنچه ما از توصیه‌هایی که درباره عید در متون اسلامی آمده است، استفاده می‌کنیم اول، همان احساس نشاط و شادمانی است که باید در سالک نسبت به این لحظات وجود داشته باشد.



دکتر علی شیخ‌الاسلامی: آنچه ما از توصیه‌هایی که درباره عید در متون اسلامی آمده است، استفاده می‌کنیم اول، همان احساس نشاط و شادمانی است که باید در سالک نسبت به این لحظات وجود داشته باشد.

از غزل‌های منسوب به حافظ است که « روز عید است و من امروز در این تدبیرم/ که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم؛

یعنی سالک در مقامی است که همه آنچه را که در راه معشوق به ریاضت تحمل کرده اعم از گرسنگی‌ها، تشنگی‌ها و سختی‌هایی که متحمل شده است، پاداش می‌گیرد. آنچه شما طالب دریافت آن در عید فطر هستید در نماز عید فطر به دست می‌آید؛ نماز عید فطری که اکنون مستحب است اما در زمان حضور امام معصوم واجب است. آداب این نماز مانند برگزاری آن، رازآمیز است. در این نماز نشئه حضور آن قدر قوی است که شما هربار که دست خود را برای قنوت بالا می‌برید و می‌گویید: « اللهم اهل الکبریا والعظمه و اهل الجود والجبروت...؛ و بعد دست خود را می‌اندازید، گویی شاهد فیض و فضل دائم خداوند هستید و نمی‌خواهید به رکوع بروید، پس دوباره دست خود را از فیوضات الهی پر کرده و دوباره دعا را می‌خوانید و این باز تکرار می‌شود، درست برخلاف نماز آیات.

در نماز آیات وجه جلال و جبروت تجلی دارد و در نماز عید وجه جمال و لطف. دعایی نیز که در نماز عید فطر خوانده می‌شود، سرشار از رحمت و لطف است. تمام الهامات و اشراقات معنوی را که می‌شود در قنوت این نماز دید، در یک جمله از این دعاست که گویی تمام ارزش‌های ماه رمضان، عید و سیر و سلوک‌ها برای منتهی شدن به این جمله است «.... ان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا و آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمد و آل محمد(ص)....؛ درخواستی که در این فراز مطرح می‌شود این است که، خدایا، ما را در مقام قرب، در حریم مقرب‌ترین‌ها که محمد(ص) و آل اوست قرار بده؛ چنان قرار دادنی که هرچه خیر به آنها می‌رسد به ما نیز برسد و از هرگونه شری که دامنگیر آنها نمی‌شود ما را نیز مصون بداری. این پیوستن به خوبان و الحاق به بزرگان و ساحت عصمت، پاداش بزرگی است. هیچ تجلی‌ای شریف‌تر از آنچه بر قلب پیامبر و آل او ریخته می‌شود نیست. حالا روزه‌دار چنان خود را در ساحت قرب می‌بیند که از خدا درخواست تجلیاتی آن‌گونه می‌کند.

خاقانی می‌گوید: شب عید چون درآمد ز در وثاق گفתי
که ز شرم طلعت او مه عید برنیاید

این وجه ظاهر و باطن داشتن عید نیز نزد بزرگان مطرح بوده است. شاعر در این بیت می‌خواهد بگوید وجه معنوی عید، تجلیاتی که بر دل سالک فرو می‌ریزد، برکاتی که دریافت می‌کند و زیبایی‌هایی که در رؤیت خویش در مقام شهود حق با آن برخورد می‌کند مجال دل بستن و دیدن ماه برآمده بر آسمان را نمی‌دهد. آسمان زیباست و دیدن هلال ماه نیز برای روزه‌دار بسیار فرح بخش و پربرکت است اما همه اینها در کنار ابروی یار را در افق معنویت دیدن، ارزش و زیبایی ندارد.

حافظ می‌گوید: تا آسمان ز حلقه به گوشان ما شود
کو گوشه‌ای ز ابروی همچون هلال تو

زیبایی‌های ظاهر مدیون آن جمال باطنی است. جمال صوری اگرچه مورد تأیید شارع است و حتی توصیه شده است چرا که گاهی لطافت یک برگ گل و یک عطر ملایم دفتر معرفتی برای انسان می‌شود، اما جمال معنوی جمال حقیقی است و یکی از لحظات بازگشت به جمال‌های معنوی عید است.